

نسل کشی را بس کنید!

خبر بمباردمان روستای عزیزآباد شیندند، در شب ۲۱ ماه آگست، تنها موردی از کشتارهای دسته جمعی نیروهای ائتلاف بین المللی برهبری امریکا نیست، دوشب قبل از آن در ولایت لغمان در یک بمباران دیگر ۱۸ نفر کشته و ۴۲ نفر مجروح شدند و یک هفته قبل از آن در هسکه مینه ننگرهار بر یک محفل عروسی بمباران صورت گرفت که در آن ۴۷ نفر زن و مرد و کودک، بشمول عروس و داماد به قتل رسیدند. و پیشتر از آن در ولایت نورستان یک چنین کشتاری هولناکی از جانب نیروهای خارجی صورت گرفت که بیش از چهل نفر در آن جان های خود را از دست دادند و وقتی والی آن ولایت گواهی داد که کشته شدگان همه مردم غیر نظامی، شامل زنان و کودکان بوده اند، فردای آن والی بجرم حقیقت گویی بر طرف گردید.

و اینک در تازه ترین خبر، تلویزیون ملی افغانستان دیشب (اول سپتامبر) گزارش داد که در شب ۳۱ آگست در ولسوالی سنگین هلمند دو قریه بمباران گردیده که در اثر آن دوصد نفر کشته و پنجاه نفر زخمی شده اند. مردم هلمند که از مدتها بدینسو مورد خشم دو قوت نظامی، یکی قوت های انگلیسی مستقر در هلمند و دیگری قوت های امریکائی قرار گرفته اند، هفت سال تمام است که به عنوان یک ولایت نا آرام هر روز و یا هر هفته مورد بمباران قوت های ناتو و یا قوت های انگلیسی قرار میگیرند و هر قوت بقدر توان خود بخشی از مردم دهات و روستا ها را مثل رشقه از بیخ و بن درو میکنند، بدون آنکه کسی به داد این مردم مظلوم برسد. چند هفته قبل ولسوالی گرمسیر از زنده جان پاک شد، و مردم بومی جان بدر برده از بمبارانهای نیروهای خارجی وقتی به خانه های خود باز گشتند، اثری از خانه و کاشانه خود را نمی یافتند.

منابع ناتو و امریکا، عملیات برضد مخالفان و طالبان را بهانه میکنند و همواره رقم تلفات طالبان را زیاد و از مردم غیر نظامی را اندک نشان میدهند، در حالی که واقعیت چیز دیگری است و شاهدان عینی از کشتار کودکان و زنان و افراد غیر وابسته به طالبان سخن میگویند و مرده های خود را روی دست گرفته، فریاد میزنند که کجاست طالب و کجاست القاعده؟ بیائید و ببینید!

اغلب نیروهای امریکائی و ناتو بر اساس راپورهای غلطی که از طرف افراد وابسته به ائتلاف شمال در بدل پول در اختیار آنان قرار میگیرد، بدون توجه به زندگی مردم ملکی، و بدن در نظر داشت نفاضت های انتیکمی و قومی، دهات و یا محافل خوشی و عروسی مردم را نشانه میگیرند و با ریختن بمب های یک هزار کیلویی به کشتار مردم ما می پردازند، و وقتی صدای اعتراض مردم بلند شود، دولت هیئتی به محل میفرستد، اولاً هیئت سعی میکند تا تعداد تلفات انسانی را بخاطر گل روی امریکا، اندک نشان بدهد (چنانکه در فاجعه ارزگان چنین شد) و ثانیاً اگر هیئت ووالی از حقیقت جانبداری کند و سخن مردم مصیبت رسیده را تأیید نماید، آنگاه است که رهبری قوت های امریکایی میگوید: آنها هم در این مورد تحقیق خواهند کرد و بعد یا نظر هیئت موظف را تردید میکنند و یا اینکه تعداد تلفات غیر نظامی را خیلی ناچیز رقم میزنند، بدون آنکه بخاطر کشتار همین تعداد، از مردم و یا از دولت افغانستان معذرت بخواهند، فردای همین گتگو باز هم برای چندمین بار همان ولایات (از هرات در غرب کشور تا نورستان در شرق کشور) بمباران میشود. یک مثال فراموش نشدنی فاجعه بمباران دهر اوود ارزگان است که در اول جولای ۲۰۰۲ یک محفل عروسی را در یک شب بمباران کردند و از جمله تخمین چارصد نفر مهمانان محفل حدود ۱۵۰ نفر کشته و ۲۰۰ تن مجروح شدند، ولی دو هفته بعد هیئت امریکائی از محل دیدن کرد و فقط از ۵۸ نفر تلفات گزارش داد، بدون آنکه کسی به خون این مردم ارزشی قایل شده باشد.

بقول آقای سیاه سنگ "جورج بوش هنگام نشان دادن همدردی به قربانیان ارزگان نه پوزش خواست و نه بار ملامتی را پذیرفت. دونالد رمسفیلد (وزیر دفاع ایالات متحده) نیز از کشته شدن مهمانان در جشن عروسی دهر اوود سخن زد ولی نگفت که اشتباهی در کار بوده است."

جنرال مک نیل سپهسالار امریکا در افغانستان گفت: "نشانه های چشمگیری گواه اند که از همین جشن عروسی بر روی هواپیماهای ما آتش کشوده میشود."

"پارچه های گوشت انسان از شاخچه های درختان دهر اوود آویزان بود. مقامات افغانی ارزگان به گزارشگران گفتند: امریکاییها اینجا آمدند و به مردم اطلاع دادند که دهر اوود را بر اساس گزارش نادرستی که گویا ملا عمر اینجا پنهان شده، بمبارد کرده است." (کابل ناتو شماره ۳۴)

از آن زمان تا کنون، قوت های خارجی چه امریکائی و چه ناتو، هر زمان و در هر کجائی که دلشان خواسته بدون هم آهنگی با مسئولین وزارت دفاع افغانستان بر فرق مردم ما در قندهار، هلمند، زابل، پکتیکا و پکتیا و کنر و نورستان و کاپیسا و غزنی و غیره کوبیده اند. در ماه های اخیر هیچ روزی نیست که خبری از بمباران ولایات جنوب و شرق و غرب افغانستان

بگوش ما نرسد و تعداد زيادی از مردم ما بر اثر اين بمبارانهای تلف نگرندند، درحالی که فقر بيداد میکند و بلندرقتن قيمت های مواد اوليه رنگ از رخ مردم بيکار و تهی دست زدوده است.

يك سال قبل من ضمن مقالتي نوشتم که "آيا ميتوان جلو نسل کشی در دوطرف خط ديورندرا گرفت؟" وحالا دوباره ميخواهم به هوطنان بادرد و با درک ياد دهانی کنم که سياست بمباردمان نيروهای خارجي درکشور، به بهانه مبارزه با تروريزم والقاعده وطالبان، بيک سياست افغان کشی است. هفت سال تمام است، که ولايت جنوب وجنوب شرق کشور که در آنها بيشتريشتونها زندگی میکنند، مورد بمباران بی دريغ قوتهای خارجي قرار ميگيرد و کسی نيست که به داد اين مردم برسد و فريادشان را بشنود. هنوز قضيه بمباردمان روستای عزيز اباد هرات ختم نشده که ولسوالي سنگين در هلمند شديداً بمباران گرديد و با ۲۰۰ کشته و ۵۰ تن مجروح تلفات آن از مجموع تلفات شيندند، کاپيسا ولغمان وجلال اباد ونورستان بيشتريشد. تنور حوادث اندوهبار درکشور چنان گرم است که هنوز از غم يک حادثه جانکاه بخود نيامده ای که خبر حادثه غمناک ديگری چون پتک براعصاب انسان فرو می آيد و راحت انسان با احساس را به زهر هلاهل مبدل میکند.

بايد فکری به حال مردم مظلوم افغان که از سی سال تمام بدینسو مورد ظلم وخشونت وبمباردمانهای روس وامريکا ونوکران شان قرار دارد، و در حالی که در اين مدت شکم اکثريت شان از لقمه نان خشکی سير نشده است مگر باز هم برسرکودکان معصومشان بمب های چند هزار کيلوئی فرو می ريزد و نابودشان میکند. آخر اين وضعيت تا کی بايد دوام داشته باشد؟ تا چه وقت بايد مردم در ترس و دلهره بسر ببرند. تا کی بايد يکطرف رنج فقر و بيکاری، يک طرف دردمريضی و بی دوائی، يکطرف غم رسيدن زمستان جانسوز و غم بی سرپناهی، يک طرف ترس از تجاوز برکودکان ۴-۵-۶-۷ ساله و بی بازخواستی، يک طرف دلهره بمباری نيروهای خارجي، زندگی شان را به جهنم روی زمين مبدل کند؟

مردم درد رسیده ورنج بمباران کشيده افغان! اکنون که حکومت وابسته و بی شيمه وسنای بی شيمه تر از آن عمليات خود سرانه و بی دريغ قوتهای ناتو وامريکا را درکشور تقبيح کرده وخواهان توقف آن شده است، ولی کس به دهن آنها پياز پوست نمیکند، و به بمباردمانهای دهات و روستای ما ادامه ميدهند، می بايستی صدای اعتراض خود را هرچه رساتر در مقابل بمباردمانهای کور نيروهای خارجي بلند کنید! به خيابانها و جاده ها بيرون بريزيد و برضد سياست پليد جورج بوش شعار بدهيد و از طريق رسانه های بين المللی اعتراض خود را به گوش مردم متمدن دنيا ومنجمله امريکا برسائيد تا برحکومت خود فشار واردکنند که دست از بمباردمان مردم ملکی ما بگيرند. واگر واقعاً ميخواهند برضد تروريزم والقاعده مبارزه کنند، بايد القاعده را درکشور پاکستان جستجو نمايند نه درافغانستان که بمباران مردم ما جز ناکامی وشکست نتيجه يی برای امريکا وناتودر پی نخواهد داشت.

پايان